

## مستند سازی الگوی مدیریت بر آموزش در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

### و سلامت سازمانی کلاس درس

محمد رضا بهرنگی<sup>۱</sup>، عبدالحسین عباسیان<sup>۲</sup>، سودابه ذوقی پور<sup>۳\*</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۵/۲۲ تاریخ پذیرش: ۹۴/۳/۳

#### چکیده

هدف این مقاله شبه آزمایشی و کاربردی بررسی اهمیت الگوی نوین مدیریت آموزش علوم بر اساس شناسائی تأثیر اجرای عوامل عمده سلامت سازمانی بر توسعه، بهبود پیشرفت تحصیلی و سلامت سازمانی، دانش آموزان کلاس درس جغرافیای سال دوم دبیرستان دخترانه کوهدشت است. این تحقیق با استفاده از طرح دو گروهی آزمایش و گواه پیش آزمون-پس آزمون (یک کلاس به عنوان آزمایشی، کلاس دیگر به عنوان گواه و هر یک مرکب از ۲۵ دانش آموز)، در سه مرحله: (۱) اجرای پیش آزمون برای اندازه گیری متغیر وابسته در دو گروه؛ (۲) به کارگیری عمل آزمایشی (متغیر مستقل) در کلاس آزمایش و روش معمول در کلاس شاهد و (۳) اجرای پس آزمون در دو گروه که هر دو متغیر وابسته را اندازه می گیرد اجرا گردید. از جامعه آماری تمامی دانش آموزان دختر پایه دوم دبیرستان شهرستان کوهدشت که در سال تحصیلی ۹۳-۹۲ به تحصیل اشتغال داشتند یک مدرسه و از مدرسه مذکور دو کلاس به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و به تصادف به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. داده ها با استفاده از پرسشنامه و آزمون محقق ساخته که متخصصان و نرم افزار مربوط روایی ظاهر و پایایی آنها را مشخص ساختند جمع آوری گردید. در این پژوهش با استفاده از انعطاف پذیری الگوی مدیریت آموزش علوم دستمایه های سلامت سازمانی استخراج شد. نتایج تجزیه و تحلیل اطلاعات، تأثیر بسزای الگوی مدیریت آموزش بر بهبود پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و سلامت سازمانی کلاس درس را نشان داد.

**واژه های کلیدی:** الگوی مدیریت آموزش، پیشرفت تحصیلی، سلامت سازمانی

<sup>۱</sup> - استاد تمام مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی

<sup>۲</sup> - استادیار مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی

<sup>۳</sup> - دانش آموخته کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی دانشگاه خوارزمی

\* نویسنده مسوول مقاله: zoghiipoors@yahoo.com

## مقدمه

علاقبند (1999, Alaghband)، آموزشی کردن و پرورشی ساختن سازمان را از عمده‌ترین و مؤثرترین وظایف سازمان‌های جامعه بیان کرده است. به بیان لنچویونی (2006, Linchyvny)<sup>1</sup> در سازمان آموزش و پرورش با توجه به حساسیت این سازمان، برای رسیدن و اجرای موفقیت‌آمیز هر فعالیت آموزشی، علاوه بر منابع مالی، وسایل و فناوری، وجود نیروی انسانی سالم نقش اساسی را ایفا می‌کند. نیاکان ما بر این باور بوده‌اند که «عقل سالم در بدن سالم است» و به نظر می‌رسد که می‌توان این گفته‌ی کهن را به سازمان‌ها نیز تسری داد و گفت «کار سالم در سازمان سالم است». واقعیتی که امروزه تحت عنوان "سلامت سازمانی" مطرح است، جایگاه شایسته‌ای را در سازمان‌ها به خود اختصاص داده است. از واژه سلامت سازمانی برای بررسی محیط‌های کاری مدارس می‌توان استفاده کرد و ابعاد حساس حیاتی سازمان در مدارس را بررسی نمود. در بررسی هوی و میسکل (1999, Hui & Myskl cite by Alagehband 1999)، سلامت سازمانی بر اساس نظریه پارسونز در سه بعد اصلی و مؤلفه‌های آن به شرح زیر در نظر گرفته شده است:

**الف) سطح نهادی:** یگانگی نهادی؛ عبارت است از توانایی مدرسه برای تطابق با محیط و سازش با روش‌هایی است که سلامت برنامه آموزشی را حفظ کند. مدارس می‌کنند که دارای یگانگی هستند از تقاضاهای غیر معقول والدین و محل در امان می‌باشند و با نیروی بیرونی مخرب به طور موفقیت آمیز می‌سازند.

**ب) سطح اداری:** نفوذ مدیر؛ عبارت است از توانایی وی به تأثیر در تصمیمات مافوق است. مدیر با نفوذ، ترغیب کننده بوده و با رئیس ناحیه به طور اثربخش کار می‌کنند اما با این حال در فکر و عمل خود استقلال دارد. رفتارهای وی به این شرح دسته‌بندی می‌شود. رعایت؛ که رفتار باز، دوستانه و حمایتی می‌باشد. ملاحظه‌گری که بازتاب رفتارهای محترمانه، اعتماد متقابل و همکاری و پشتیبانی و نه به معنای ملامت و خوشرویی مصنوعی و حساب‌گرانه، بلکه توجه صادقانه نسبت به معلمان به عنوان همکاران حرفه‌ای است. ساخت‌دهی؛ رفتاری است که مدیر به طور واضح انتظارات کار، استانداردهای عملکرد و رویه‌ها را به طور صریح تعیین می‌کند. حمایت منابع (تأمین و به کارگیری منابع)؛ عبارت است از میزان تهیه مواد و وسایل لازم و مورد درخواست معلمان و وسایل اضافی دیگر که به راحتی قابل حصول است. بنابراین توجه مدیران به حمایت منابع چه از نظر فضای آموزشی و چه از نظر مواد و تجهیزات آموزشی لازم به نظر می‌رسد.

<sup>1</sup>Lynchvny

<sup>2</sup>Hui&Myskl

ج) **سطح فنی:** روحیه؛ عبارت است از اطمینان، همدردی، اعتماد و احساس انجام کار که هیئت آموزشی را فرا گرفته است. معلمان احساس خوبی به یکدیگر داشته و با این حال احساس می‌کنند که کار خود را به خوبی انجام می‌دهند.

تأکید علمی؛ عبارت است از فشار مدرسه برای کسب موفقیت و یادگیری دانش‌آموزان اشاره می‌کند، اهداف علمی سطح بالا ولی قابل حصول را برای دانش‌آموزان وضع شده است؛ محیط یادگیری، منظم و جدی است؛ معلمان به توانایی دانش‌آموزان برای موفقیت در یادگیری اعتقاد دارند؛ و دانش‌آموزان نیز سخت کار کرده و به آنهایی که از نظر علمی پیشرفت خوبی دارند، احترام قائل هستند.

تغییرات شگرف در رفتارها و روال زندگی انسان ناشی از تأثیرات تحولات سریع در عرصه علوم و فناوری، نگرش و انتظارات جدیدی را از آموزش و پرورش دانش‌آموزان پدید آورده و تغییرات و تحولات متناسبی را در فرآیند فعالیت‌های آموزشی می‌طلبد. در واقع وظیفه نظام‌های آموزشی امروز، اثربخشی در تربیت نیروهای توانمند درک دنیای پیچیده موجود، خلاق و مبتکر بار آوردن آنان در سازماندهی، مدیریت و رهبری با رفتار منطقی است. شعبانی و حسین‌قلی‌زاده (Shabani & HousinGholizadeh, 2006) مقوله تدریس در جهت بهبود یادگیری دانش‌آموزان از اساسی‌ترین دغدغه‌ها در سازمان‌های آموزشی می‌داند و "در واقع هدف از تدریس در یک عبارت ساده، ممکن ساختن یادگیری برای فراگیر است" صادقی و حسینی (sadeghi & Housini, 2008). به نقل از گلد شمیت<sup>۱</sup> و چرل برگ<sup>۲</sup> بیان می‌دارند دست اندرکاران و متخصصان علوم تربیتی و روانشناسان تربیتی، این نگرانی را دارند که چون مقوله تدریس فنی‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد نظام آموزشی تلقی می‌شود، باید ماهرانه ارائه شود و مدرسان نیز باید مسئولیت پذیر و پاسخگو باشند.

لازم است به آموزش و پرورش به عنوان رکن اصلی توسعه و نهادی فرهنگ‌ساز برای آماده سازی افراد برای زندگی آینده و ساختن جامعه‌ای سالم و خودکفا نگریسته شود. رشد توسعه دانش‌آموزان در گرو آموزش و پرورش است که مبتنی بر بستر گوناگونی فرهنگ، آزادی بیان، آزادی شرکت در فعالیت‌های فرهنگی، تبادل آزادانه افکار و عقاید، دانش علمی، خلاقیت و آفرینشگری فرهنگی، باشد. در این راه، تغییرات اصولی و سامان یافته در نظام تربیت معلم، نظام مدیریتی و نظام اداری ضرورت دارد و مدیریت آموزشی از عناصر عمده پدید آورنده این تغییرات است. بنابراین، تعریف جدیدی از نقش مدیریت آموزشی در شرایط کنونی تحولات جامعه از ضروریات است. مدیریت آموزشی در مفهوم نوین خود به جای تأکید بر نقش معلم به عنوان ارائه دهنده اطلاعات و دانش -

<sup>1</sup> Gold Schmit

<sup>2</sup> Perelberg

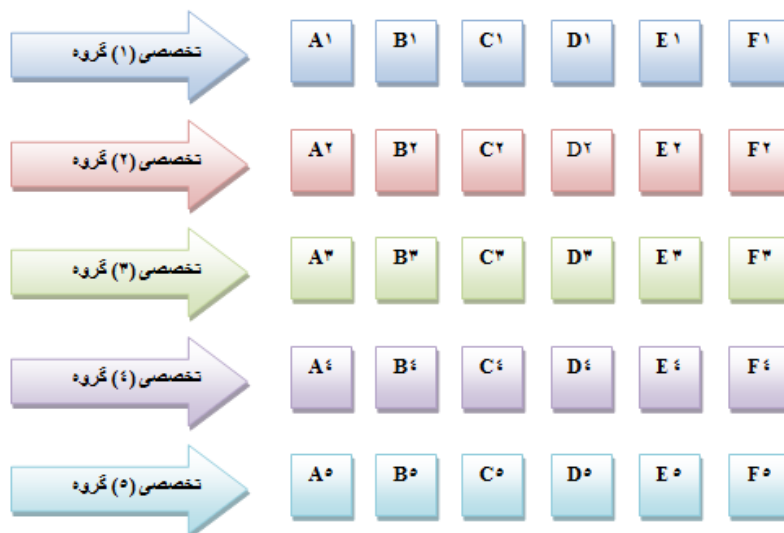
آموز به عنوان گیرنده اطلاعات بر رشد، توسعه و بهبود یادگیری، مشارکت دانش‌آموزان، تولید علم و استفاده از خلاقیت دانش‌آموزان در بهبود یادگیری آنان از طریق کاربرد نظریه مدیریت آموزش علوم برای تولید دانش و در نتیجه درک مفاهیم پدیده‌های علمی تأکید دارد. لازم است مفهوم نظام مدیریت آموزشی، به عنوان مفهومی کلی-انتزاعی ولی دربرگیرنده ترکیبی از مؤلفه‌های پشتیبان اعمال مدیریت آموزش و بهبود یادگیری در نظر گرفته شود. رهبری، رعایت وظایف رسمی اداری و بوروکراتیک، روابط غیررسمی توسعه منابع انسانی، برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه‌ریزی درسی، ارزشیابی، کنترل، نظارت و راهنمایی حرفه‌ای، آموزش ضمن خدمت و رشد کارکنان، راهنمایی تحصیلی و رفتاری و ارتباط با محیط از جمله مواردی است که لازم است در نظام مدیریت آموزشی برای حمایت مدیریت آموزش مباحث درسی در نظر گرفته شود. توجه همه این موارد باید متمرکز بر حمایت از بهبود کیفیت نحوه تدریس در کلاس درس که هسته فنی نظام مدیریت آموزشی است باشد. بهرنگی (Behrangi, 2010, p.33)، بیان می‌دارد که معلمان موفق تنها ارائه دهندگان تکالیف درسی نیستند بلکه لازم است آنان، دانش‌آموزان خود را به تکالیف سالم شناختی و اجتماعی وارد کرده و به آنان نحوه استفاده مؤثر از آن تکالیف را یاد دهند. گرچه ممکن است معلم در ابتدا در نقش ارائه دهنده اطلاعات ظاهر شود ولی باید در مراحل بعدی به تدریج یادگیری را به خود دانش‌آموز واگذار کند تا خود آنان پیشرفت تحصیلی خود را در گذراندن دروس یک پایه تحصیلی مشخص و یا موفقیت در امر یادگیری مطالب درسی احساس کنند. مخالف آن افت تحصیلی است که از معضلات و مشکلات نظام آموزشی می‌باشد. اتکنیسون و همکاران (Atkinson and et.al, 1998; cited by Alizadeh 2009)، پیشرفت تحصیلی را توانایی آموخته شده یا اکتسابی حاصل از درس ارائه شده یا به عبارت دیگر، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی بیان می‌دارند که به وسیله آزمون‌های استاندارد شده اندازه‌گیری می‌شود.

**معرفی الگوی مدیریت آموزش:** الگوی مدیریت آموزش که مبدع محمدرضا بهرنگی است بر استفاده یادگیری مشارکتی تأکید دارد. با این الگو دانش‌آموزان در بخشی از موضوعات درسی که موظف به یادگیری آن هستند، مهارت کامل به دست می‌آورند و سپس آموخته‌های خود را به سایر اعضا گروه خود می‌آموزند. مزیت این الگو این است که اگرچه نتایج حاصل از تلاش هر دانش‌آموز با دانش‌آموز دیگر متفاوت است، ولی به همه دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت به طور یکسان مسئولیت لازم اعطا می‌کند. در این الگو معمولاً، دانش‌آموزان برای مطالعه یک فصل از یک کتاب درسی گروه‌بندی می‌شوند. پس از آن هر کدام از اعضا گروه‌ها یک قسمت از این فصل را مطالعه می‌کند و مسئول آموزش آن قسمت به سایر اعضا گروه خود می‌شود (Ahmadiasl, 2013). برای توضیح ساختار این الگو فرایند کار پنج گروه یادگیری در شکل ۱ را توصیف می‌کنیم. هر کدام از

گروه‌ها دارای پنج دانش آموز است. به طور مثال تمامی دانش‌آموزانی که در شکل ۱ با حرف A مشخص شده‌اند، گروه تخصصی عنوان A را نشان می‌دهند و دانش‌آموزانی که حرف آنها B است، گروه متخصص B را تشکیل می‌دهند و دربارهٔ یک عنوان که برایشان تعیین شده به بحث و اصلاح نمودار پیوند بین مفاهیم و نمودهای عمدهٔ هر یک از مفاهیم می‌پردازند. بنابراین، هر یک در موضوع آن عنوان متبحر می‌شوند. بقیه گروه‌ها به این منوال تشکیل می‌شوند.



شکل ۱- گروه‌بندی کلاس و تعیین تعداد هر گروه بر حسب عناوین اصلی و نیز بر حسب عنوان مشخص برای هر گروه



شکل ۲- تشکیل گروه‌های اصلی از اعضای تخصص یافته در عناوین اصلی مبحث جغرافیای سال دوم دبیرستان

پس از اینکه گروه‌های متخصص کار خود را به خوبی انجام دادند، گروه‌های اولیه یا اصلی A تا E (اول تا پنجم) دوباره تشکیل می‌شوند. سپس دانش‌آموزان بخش‌هایی را که روی آن کار کرده‌اند، به یکدیگر یاد می‌دهند. به منظور تحقق بخشیدن به یادگیری انفرادی دانش‌آموزان از هر دانش‌آموز درباره همه بخش‌ها آزمون گرفته می‌شود.

### سناریوی مدیریت آموزش بر اساس رعایت اصول سلامت سازمانی در مدیریت آموزش در کلاس

**فرمان اول** (ارائه پیش‌سازمان دهنده): از نمودار پیوند عناوین و زیر عنوان مبحث درسی که توسط شاگرد تهیه شده در آغاز درس و هنگام حضور و غیاب ارزیابی کنید. شاگردان بر اساس دانش قبلی خود و بر اساس شایستگی‌های علمی و فرهنگی قبلی نمودار پیوند عناوین را مطابق با هر درس تهیه می‌کنند. هدف زمینه‌سازی برای شناخت، بینش، پشتکار، صبر و حوصله دانش‌آموزان است.

دستمایه‌ی این گام به لحاظ استفاده از نمود سلامت سازمانی در الگوی مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- معلم به حضور به موقع، عدم غیبت و رعایت نظم و ترتیب دانش‌آموزان در کلاس توجه نماید.
- معلم جهت ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان معیارهای معینی را تعیین کرده و با توجه به آنها از دانش‌آموزان تکلیف بخواهد تا شاگردان متوجه راه و کاری که در پیش دارند، بشوند. این فعالیت‌ها به سطح ساخت‌دهی از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.

**فرمان دوم** (تصویرسازی مفاهیم عنوان‌ها): برای عناوین کلی تصویری از مفاهیم آنان باید تهیه گردد. معلمان باید تصویر سازی و پیچیدگی‌های ذهنی دانش‌آموزان را تقویت کنند. دانش‌آموزانی که از قبل مهارت بیش‌تری در این زمینه دارند، تصویر بهتری از مفاهیم کلی ارائه می‌دهند. در صورت امکان نیاز به افزایش مهارت‌هایی مانند رایانه، نقاشی و ... دانش‌آموزان و تشویق آنها به آموختن این مهارت‌ها است. شاگردانی که مهارت‌های بیشتری دارند، در این مرحله عملکرد بهتری را ارائه خواهند داد.

دستمایه‌ی این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در مدیریت آموزش کلاس به شرح زیر تجسم یابد.

- تشویق مهارت آموزی: معلم دانش‌آموزان مبتکر و خلاق را مورد تشویق و حمایت قرار دهد.
- از طرف معلم کلاس‌های فوق برنامه جهت تقویت بنیه علمی دانش‌آموزان تشکیل گردد. این فعالیت‌ها به سطح تأکید علمی از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.

**فرمان سوم** (ارزیابی تسلط شاگردان): معلم در هنگام حضور و غیاب بر روی نمودار تهیه شده توسط هر شاگرد نمره‌ای (بین  $A+B$ ) بدهد. نمرات که توسط دانش‌آموزان در جلسات مختلف (نه در یک جلسه) کسب می‌شود باید نشان دهد که معلم به همه‌ی دانش‌آموزان قوی و ضعیف توجه دارد. به احتمال زیاد این فرمان موجب می‌شود دانش‌آموزان با آمادگی‌های بیش‌تری به کلاس وارد شوند و این به دانش‌آموزان ضعیف‌تر کمک می‌کند. دستمایه‌ی این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- تقویت فرهنگ کار، تلاش و وجدان کاری و مسولیت پذیری:
- احساس مسؤلیت معلم نسبت به وظایف خود.
- انجام کار معلم با دلسوزی و جدیت. این فعالیت‌ها به سطح روحیه از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.

**فرمان چهارم** (خود ارزیابی و بیان انتقادات و پیشنهادهای شاگردان): از شاگردان بخواهید اگر اعتراضی به نمره‌ی ارزشیابی معلم دارند در گروه اصلی خود مطرح کنند و سپس اگر شاگرد متقاعد نشده باشد شاگرد ثالثی اعتراض منطقی وی را به استاد اعلام نماید. دستمایه‌ی این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- دانش‌آموزان می‌توانند به راحتی در مورد مسائل آموزشی با دانش‌آموزان دیگر و معلم تبادل نظر نمایند.
- معلم به نظرات ارشادی و انتقادی سازنده دانش‌آموزان عمل می‌کند. این فعالیت‌ها به سطح ملاحظه‌گری از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.

**فرمان پنجم** از روش یادگیری مشارکتی برای آموزش استفاده کنید. دانش‌آموزان با روش تعاملی (فراتر از روش فعال سنتی) به کسب محتوای علمی و مهارت‌ها می‌اندیشند و در فرایند تفکر و اهداف اجتماعی آموزش درگیر می‌شوند. دانش‌آموزان با مشاهده و تقلید از رفتار دیگران یاد می‌گیرند و در جریان مشاهده و تقلید کشف می‌کنند که چگونه به طور هدفمند حرکت و به طور قابل فهم صحبت کنند تا به سطحی برسند که خودشان اهدافشان را تعیین کنند و از خود و دیگران بیاموزند. در این روش دانش‌آموزان با شنیدن انتقادات همسالان خود بینش بیش‌تری نسبت به خود کسب می‌کنند و درک و فهم خود را از طریق شنیدن انتقادات و پیشنهادهای دیگران گسترش می‌دهند.

دستمایه این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- روابط دانش‌آموزان در کلاس سرشار از یکپارچگی و صمیمیت می‌شود.
  - معلم به همراه دانش‌آموزان در حل مسائل آموزشی با یکدیگر صمیمانه همکاری می‌کنند.
  - معلم با دانش‌آموزان به گفت و شنود می‌پردازد. این فعالیت‌ها به سطح روحیه از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.
- فرمان ششم** مقایسه نمودار ترسیمی شاگرد با نمودار کامل و اصلی، هدف این است که شاگرد به تفاوت‌های خود با دیگران پی برده و اینکه ساخت شناخت ذهن او با دانش اصلی چقدر تفاوت دارد.

دستمایه این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- معلم سعی در درک تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان در یادگیری دارد. این فعالیت‌ها به سطح روحیه از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.
- فرمان هفتم** تهیه نمودار اصلاح شده به صورت گروهی، آنها عناوینی را که بهتر بتواند سناریوی تدریس را تقویت کند در کنار یکدیگر می‌چینند.

دستمایه این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- تلاش معلم برای هماهنگی کار اعضای کلاس و رسیدن به نتیجه مطلوب. که این فعالیت‌ها به سطح ساخت دهی از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.
- معلم با اولیای صاحب نظر در برنامه‌ریزی و طرح‌های آموزشی به مشورت می‌پردازد که این فعالیت‌ها به سطح یگانگی نهادی از سطوح سلامت سازمانی مربوط می‌شود.

**فرمان هشتم** آموزش مدیریت تدریس: معلم با دانش‌آموزان نقش‌های خود را برای اجرای آموزش در کلاس تعیین می‌کنند.

دستمایه این گام به لحاظ استفاده از نمودهای سلامت سازمانی در الگوی مدیریت آموزش کلاس می‌تواند به شرح زیر تجسم یابد.

- معلم به دانش‌آموزان مبتکر و خلاق نقش‌های مناسب تعیین کرده و به این وسیله آنها را مورد تشویق و حمایت قرار می‌دهد.
- معلم از دانش‌آموزان موفق برای بهبود یادگیری در کلاس کمک گرفته، آنها را تشویق کرده و کار به آنها واگذار می‌کند.



فرمان نهم مشارکت در ارزشیابی از پیشرفت دانش‌آموزان با شرکت و درگیری خود دانش‌آموزان با استفاده از پرسشنامه‌های درسی و پرورشی.

### فرمان دهم بازخورد اصلاحی فرایند یادگیری مراحل مذکور

به لحاظ کاربرد نموده‌های مهم سلامت سازمانی در الگوی مدیریت آموزش لازم است سلامت سازمان تحلیل و بررسی شود.

**سلامت سازمانی:** به بیان رضایی (Rezaee, 2001)، آموزش و پرورش زیربنای تمامی فعالیت‌های حیاتی و شالوده ساختار اجتماعی و بر اساس آرمان‌های جامعه است در صورت موفقیت، ضمن تأمین نیازهای بخش‌های گوناگون، جامعه را به سوی توسعه هدایت می‌کند. اما، به بیان عباس پور (Pourabas, 2003)، متأسفانه آموزش و پرورش کشورمان علیرغم همه ادعاهایی که در حوزه تحول سازمانی می‌شود، هم‌چنان در عمل جهت‌گیری بورکراتیک خود را حفظ نموده و تحت تأثیر شرایط در حال تغییر دنیای کنونی با نارسائی‌ها و آشفتگی‌های فراوانی مواجه شده است. منظور از سلامت سازمانی ابعاد مختلف سلامت سازمانی از نظر پارسونز است که شامل: ساخت‌دهی، ملاحظه‌گری، پشتیبانی منابع، روحیه، تأکید علمی و یگانگی نهادی می‌باشد. سلامت سازمانی مدارس بر همکاری چند جانبه بین معلم، مدیر و دانش‌آموزان استوار است. پارسونز (Parsons cited by Edwards, 2008) بیان می‌دارد بسیاری از محققان معتقدند که ادراک معلمان از محیط فضای مدرسه یا سلامت سازمانی منبع مهمی از اطلاعات را در زندگی‌شان منعکس می‌کند و این تعامل اجتماعی هم در جو مدارس سالم و هم در جو مدارس نا سالم انعکاس پیدا می‌کند.

سلکیرک (Selkirk, 1998 cited by Kulayngam, 2002)، بیان می‌کند زمانی که از معلمان در مورد اهمیت مهارت‌های مدیریت کلاس و اینکه آنها از میزان آمادگی‌شان در کلاس چقدر راضی هستند پرسیده شده اکثریت معلمان بیان کردند که مهارت‌های مدیریت کلاس فوق العاده مهم هستند ولی آنها نارضایتی خود را از میزان آمادگی پیش از خدمت در زمینه مدیریت کلاس اعلام کردند.

به قول الیسون (Alison, 2007)، یکی از مهم‌ترین نتایج نقش مدیریت کلاس که معلمان گزارش می‌کنند، درماندگی و خستگی مفرط ناشی از تلاش برای تشویق و متقاعد کردن دانش‌آموزان برای سعی بیش‌تر است. نتایج مطالعات نشان داده است که دانش‌آموزان فاقد کوشش در کلاس بیش-ترین و قوی‌ترین رابطه را با عدم مدیریت کلاس دارا می‌باشند.

با توجه به مطالب مشروحه فوق هدف این مقاله بیان استفاده از نموده‌های سلامت سازمانی در افزایش اهمیت کاربرد الگوی مدیریت آموزش مباحث درسی در توسعه، رشد و بهبود پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان کلاس درس جغرافیای سال دوم دبیرستان دخترانه کوه‌دشت است. آیا الگوی مدیریت آموزش با برخورداری از نموده‌های عمده سلامت سازمانی می‌تواند بر پیشرفت

تحصیلی جغرافیا دانش‌آموزان مؤثر باشد؟ و نیز آیا این الگوی مدیریت آموزش تحکیم یافته با نمودهای عمده سلامت سازمانی می‌تواند بر سلامت سازمانی و مؤلفه‌های آن تأثیر داشته باشد؟

### روش‌شناسی پژوهش

در پاسخ به سؤالات مذکور این پژوهش با روش شبه آزمایشی و با استفاده از طرح دو کلاس آزمایش و گواه پیش‌آزمون - پس‌آزمون در سه مرحله: ۱) اجرای پیش‌آزمون برای اندازه‌گیری متغیر وابسته در دو کلاس؛ ۲) به کارگیری تدریس (آزمایشی و سنتی به عنوان متغیر مستقل) در دو کلاس و ۳) اجرای پس‌آزمون در دو گروه که اجرا گردید. با توجه به نظر گال و همکاران، (Gull & etc, 2003)، آثار عمل آزمایشی از طریق مقایسه نمره‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون مشخص شد از پرسشنامه سلامت سازمانی کلاس درس پس از اجرای آموزش استفاده شد. در این پژوهش به منظور گردآوری اطلاعات و داده‌ها درباره پیشرفت تحصیلی، آزمونی معلم ساخته از فراگیران به عمل آمد که از مقایسه نتایج این آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل، اطلاعات مورد نیاز جهت آگاهی از میزان اثربخش بودن یا نبودن استفاده از الگوی مدیریت آموزش علوم با استفاده از نمودهای عمده سلامت سازمانی کسب گردید. هم‌چنین از پرسش‌نامه سلامت سازمانی اصلاح شده و مرتبط با سلامت کلاس هوی و همکاران (Hui & Mikel, 1998 cite by Alagehband, 1999) برای اندازه‌گیری ابعاد مختلف سلامت سازمانی و نیز از نظر پارسونز شامل: ساخت‌دهی، ملاحظه‌گری، پشتیبانی منابع، روحیه، تأکید علمی و یگانگی نهادی برای بررسی سلامت سازمانی کلاس استفاده شد. برای سنجش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در درس جغرافیا دو آزمون (پیش‌آزمون ۵ سؤال و پس‌آزمون ۵ سؤال) به صورت تشریحی (معلم ساخته) تهیه شد و در اختیار چند نفر از دبیران جغرافیا دارای مدرک کارشناسی قرار گرفت و آنها روایی آن را تأیید کردند. البته ۲ تا از سؤالات به پیشنهاد آنها تغییر یافت. به منظور محاسبه روایی پرسشنامه سلامت سازمانی از تعدادی از متخصصان و استادان دانشگاه در زمینه مدیریت آموزشی استفاده شد و آنها نظر مساعد خود را درباره میزان اعتبار و اهمیت هر یک از سؤالات ارائه کردند و با نظر استاد محترم راهنما و مشاور اصلاح و پس از اصلاح اجرا گردید.

پایایی پرسشنامه سلامت سازمانی در تحقیقات شاه حسینی (Shahouseini, 1998) و مژگان حاجیبور (Haipour, 1996, cited from Mesbahi, 1995) و استفاده از آلفای کرونباخ (۰/۹۸) گزارش شده است. در این پژوهش ضریب آلفای کرونباخ (۰/۹۷) بدست آمد. برای جمع‌آوری اطلاعات، طبقه‌بندی، سازماندهی، توصیف و هم‌چنین استخراج داده‌ها و تبدیل آنها به اطلاعات آماری و تجزیه و تحلیل آنها از تکنیک‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شده است. از روش آمار توصیفی در تجزیه و تحلیل داده‌ها برای نشان دادن میانگین نمرات و انحراف معیار استاندارد و در

روش آمار استنباطی از آزمون "t" مستقل استفاده شده است. بر این اساس تفاوت سلامت سازمانی کلاسی که تحت تأثیر این الگو بوده نسبت به کلاس بی بهره از این الگو مشخص گردید. آزمون تحلیل کواریانس برای تعیین معنادار بودن یا نبودن تفاوت دو گروه به کار رفت. بر این اساس عملکرد دانش آموزانی را که تحت تأثیر این الگو بوده اند نسبت به آنهایی که از این الگو بی بهره بوده اند، مشخص گردید. در تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار "spss" استفاده شده است.

یافته ها:

سؤال ۱: آیا آموزش با الگوی مدیریت آموزش همراه با نکات عمده سلامت سازمانی بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأثیر معناداری دارد؟

به منظور تأیید توصیف داده ها و تعمیم نتایج پژوهش به جامعه ای که نمونه از آن استخراج شده است و حصول اطمینان بیش تر نسبت به یافته های پژوهش، میانگین های گروه های پس آزمون و پیش آزمون در دو گروه کنترل و آزمایش از طریق اجرای آزمون تحلیل کواریانس مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج آزمون بیانگر مطالب زیر است:

جدول شماره ۲- تحلیل کواریانس یکطرفه مرتبط با بررسی اثرات آموزش به روش الگو بر

#### پیشرفت تحصیلی

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	F	معناداری
مدل اصلاحی	۶۶/۷۶۶	۲	۳۳/۳۸۳	۶/۷۱	۰/۰۰۳
پیش آزمون	۶/۲۶۶	۱	۶/۲۶۶	۱/۲۶	۰/۲۶۷
گروه	۶۰/۰۳۹	۱	۶۰/۰۳۹	۱۲/۰۷۳	۰/۰۰۱
خطا	۲۳۳/۷۳۴	۴۷	۴/۹۷۳		
کل	۱۵۶۱۳/۰	۵۰			
کل اصلاح شده	۳۰۰/۵۰۰	۴۹			

باتوجه به جدول فوق و با تأکید برمیزان مقدار F بدست آمده در منبع تغییرات گروه  $f=۱۲/۰۷۳$  سطح اطمینان ۰/۰۵ می توان مطرح نمود که آموزش به روش الگو بر پیشرفت تحصیلی مؤثر بوده، به طوری که باعث افزایش میانگین های پس آزمون در گروه آزمایش شده است. هم چنین با توجه به اینکه مقدار F بدست آمده در منبع تغییرات پیش آزمون  $f=۱/۲۶$  در سطح اطمینان ۰/۰۵ معنادار نبوده است می توان گفت که اثر متغیر پیش آزمون در متغیر پس آزمون معنادار نبوده و تغییرات پیش آمده در متغیر پس آزمون ناشی از آموزش به روش الگوی مدیریت آموزشی بوده است.

سؤال ۲: آیا وضعیت سلامت دانش آموزانی که از طریق الگوی مدیریت آموزش همراه با

نکات عمده سلامت سازمانی تعلیم دیده‌اند بهتر از دیگر دانش آموزان می‌باشد؟

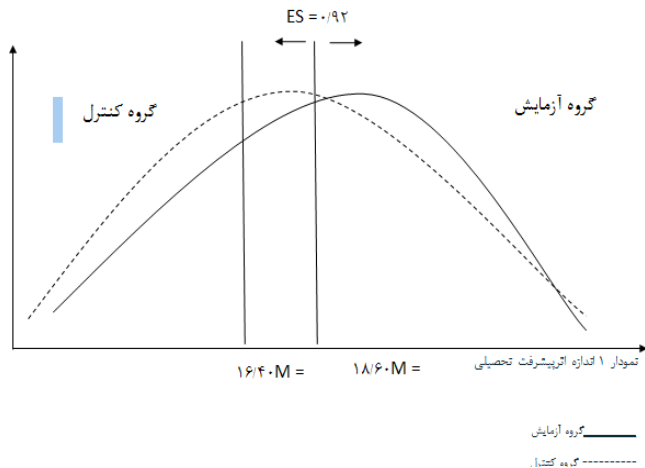
به منظور تأیید توصیف داده‌ها و تعمیم نتایج پژوهش به جامعه‌ای که نمونه از آن استخراج شده است و حصول اطمینان بیش تر نسبت به یافته‌های پژوهش، میانگین‌های گروه‌ها از طریق اجرای آزمون t مستقل مورد مقایسه قرار گرفته است. چون مفروضه‌های زیربنایی این آزمون از لحاظ مستقل بودن افراد از یکدیگر و یکسان بودن تغییر پذیری نمره‌ها در گروه‌ها به دقت رعایت شده است می‌توان به نتایج حاصل از این آزمون اکتفا نمود. نتایج آزمونها بیانگر مطالب زیر است:

جدول ۳- مقایسه میانگین سلامت گروه کنترل و آزمایش بعد از اجرای الگو

فرآوانی	میانگین	انحراف معیار	T	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمایش	۱۸۴/۰۰	۲۱/۵۳	۱۱/۷۴	۴۸	۰/۰۰۱
کنترل	۱۰۰/۶۴	۲۸/۲۲			

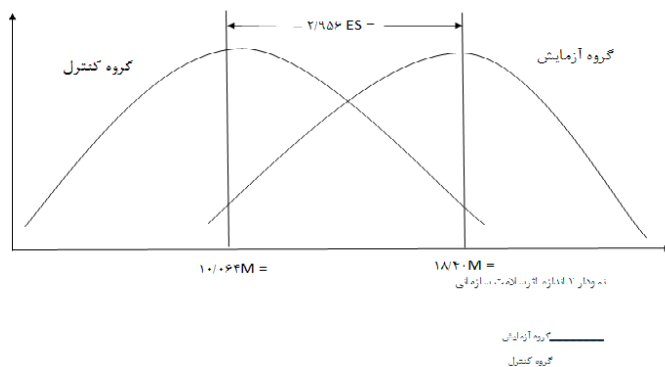
نتایج جدول (۴-۶) بیانگر آن است که مقدار T مشاهده شده ( $T_{ob}=11/74$ ) با درجه آزادی ( $df=48$ ) در سطح اطمینان ( $\alpha=0/05$ ) از مقدار t جدول بزرگتر است. بدین ترتیب فرض صفر مبنی بر عدم تفاوت بین گروه کنترل و آزمایش در سلامت رد می‌شود و فرض پژوهشی مورد تأیید قرار می‌گیرد. به این ترتیب می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بین سلامت گروه آزمایش و کنترل تفاوتی معنادار مشاهده می‌گردد و وضعیت سلامت گروه آزمایش بهتر از گروه کنترل می‌باشد.

$$ES = \frac{(18/60 - 11/74)}{2/38} = \frac{(میانگین گروه کنترل - میانگین گروه تجربی)}{\text{انحراف معیار گروه کنترل}} = 92$$



نمودار ۱ نشان می دهد که در مطالعه حاضر میانگین پیشرفت تحصیلی گروه کنترل به میزان ۱۶/۴۰ با انحراف استاندارد ۲/۳۸ و میانگین پیشرفت تحصیلی گروه آزمایش به میزان ۱۸/۶۰ با انحراف استاندارد ۲/۰۸ بدست آمده است. محاسبه اندازه اثر در مورد متغیر پیشرفت تحصیلی بعد از به کارگیری الگوی ده فرمان نشان می دهد که میزان تغییر حاصل شده به میزان ۰/۹۲ انحراف معیار که بر حسب اندازه اثر نزدیک به یک انحراف استاندارد از میانگین بوده و اثربخشی الگو بر سلامت سازمانی دانش آموزان گروه آزمایش را نشان می دهد.

نمودار ۱، الگوی ده فرمان و کاربرد آن بر پیشرفت تحصیلی- نمره میانگین گروه آزمایش را در مقابل ۵۲/۶۹ صدک توزیع فراوانی گروه کنترل قرار داده است.



$$\text{ES} = \frac{(\text{میانگین گروه کنترل} - \text{میانگین گروه تجربی})}{\text{انحراف معیار گروه کنترل}} = \frac{(18/40 - 10/064)}{2/82} = 2/956$$

نمودار ۲ نشان می‌دهد در مطالعه حاضر میانگین متغیر سلامت سازمانی در گروه کنترل به میزان ۱۰/۰۶۴ با انحراف استاندارد ۲/۸۲ و میانگین متغیر سلامت سازمانی در گروه آزمایش به میزان ۱۸/۴۰ با انحراف استاندارد ۲/۱۵ بدست آمده است. محاسبه اندازه اثر در مورد متغیر سلامت سازمانی بعد از به کارگیری الگوی ده فرمان در کلاس‌های درس نشان می‌دهد که تفاوت میانگین دو کلاس ۸/۳۳۶ و انحراف معیار ۲/۹۵۶ می‌باشد. نمودار ۲، الگوی ده فرمان و کاربرد آن بر سلامت سازمانی میان دانش‌آموزان در این پژوهش، نمره میانگین گروه آزمایش را در مقابل ۹۹/۷۸ صدک توزیع فراوانی گروه کنترل قرار داده است.

### بحث و نتیجه گیری

جویس و همکاران (Joyce & et. Al, cited by Behrangi 2011)، بیان می‌دارند که یادگیری مشارکتی روشی است برای دانش‌آموزان تا سریعتر و مؤثرتر یاد بگیرند، نگهداری اطلاعاتشان بیش-تر باشد و احساس مثبت بیشتری درباره تجارب یادگیری داشته باشند. یادگیری مشارکتی، مشارکت فعال در بحث‌های کلاسی و همکاری در فعالیت‌های حل مسأله را تشویق می‌کند و از سوی دیگر مفهوم سلامت مثبت در یک سازمان توجه را به شرایطی جلب می‌کند که رشد و توسعه سازمان را تسهیل کرده و یا موجب پویایی‌های سازمانی می‌باشد که البته مفهوم جدیدی نیست. پیشینه تحقیق در موضوع این پژوهش، "مدیریت بر آموزش جغرافیا در پایه دوم دبیرستان با استفاده از الگوی مشارکتی مدیریت آموزش علوم و بررسی تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی (مستند سازی) با استفاده از اصول سلامت سازمانی در دانش‌آموزان دختر به دلیل نو بودن اکثر مطالب آن کم است ولی نتایج برگرفته از این پژوهش به شرح زیر به دست آمد.

۱- میانگین نمرات دانش‌آموزان در درس جغرافیا در گروه‌های آزمایش و کنترل، در پیش‌آزمون، قبل از اجرای روش مشارکتی (مدیریت آموزش)، تفاوت معناداری با هم نداشتند ولی پس از اجرای روش مشارکتی (مدیریت آموزش) و مقایسه‌ای که در نمرات پس‌آزمون بین این دو گروه به عمل آمد، میانگین نمرات دانش‌آموزان در گروه آزمایش به طور معناداری از میانگین نمرات دانش‌آموزان گروه کنترل بیش‌تر بود. بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که روش یادگیری (از نوع مدیریت آموزش علوم با برخورداری از نکات اساسی سلامت سازمانی) بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر بوده است. این الگو به یادگیری مشارکتی در فرایند آموزش تأکید دارد. اسلاوین (Slavin Cited by

(Faghihee, 1992) یکی از ویژگی‌های یادگیری مشارکتی را تشکیل گروه‌های یادگیری می‌داند. یادگیری مشارکتی با تشکیل گروه‌های آموزشی و یادگیری، هم نیاز دانش‌آموزان را برای با هم بودن تأمین می‌کند و هم از این طریق به دانش‌آموزان که در فهم مطالب درسی دچار مشکل می‌شوند، کمک می‌نماید. زیرا گروه‌های یادگیری در روش یادگیری مشارکتی موظفند از یادگیری مطالب توسط تمامی اعضای گروه اطمینان حاصل نمایند. نتایج حاصل از اعتباریابی الگوی پیشنهادی نشان داد که بر اثر اجرای این روش علاقه دانش‌آموزان به درس جغرافیا بیش‌تر شده به گونه‌ای که اغلب دانش‌آموزان و معلمان، کاربرد الگوی پیشنهادی را در همه دروس مورد تأکید قرار دادند. استفاده از این روش موجب یادگیری بهتر مفاهیم درس جغرافیا شد و میزان همکاری در بین دانش‌آموزان را تقویت نمود. در فرایند اجرای روش، گزارش کار گروه‌ها به صورت نوبتی انجام گردید و همه گروه‌ها فرصت تقریباً مساوی داشتند.

۲- نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که میانگین نمرات دانش‌آموزان در آزمون سلامت سازمانی کلاس درس و ابعاد آن در دو گروه آزمایش و کنترل، میانگین نمرات دانش‌آموزان در مقیاس سلامت سازمانی در گروه آزمایش به طور معناداری از گروه کنترل بیش‌تر بود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که الگوی مدیریت آموزش با برخورداری از نکات اساسی سلامت سازمانی تأثیر مثبتی بر افزایش سلامت سازمانی کلاس درس داشته است. به این ترتیب می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که بین سلامت گروه آزمایش و کنترل تفاوتی معنادار مشاهده می‌گردد و وضعیت سلامت گروه آزمایش بهتر از گروه کنترل می‌باشد. بر اساس نتایج تحقیق پیشنهادات کاربردی زیر مطرح می‌شود:

۱- نویسندگان کتاب‌های درسی، با آگاهی از مبانی نظری و تجربی روش یادگیری مشارکتی، محتوای کتاب‌های درسی را به گونه‌ای سازمان‌دهی کنند که از طریق روش مذکور قابل آموزش دادن باشد.

۲- به تصمیم‌گیرندگان آموزش و پرورش پیشنهاد می‌شود تا زمینه استفاده معلمان از روش یادگیری مشارکتی (مدیریت آموزش علوم) را در همه دروس، مقاطع و پایه‌های تحصیلی فراهم سازند.

۳- مسؤولان آموزش ضمن خدمت آموزش و پرورش در سطح وزارت و استان‌ها می‌توانند از طریق برگزاری سمینارها، همایش‌های علمی و دوره‌های آموزشی، مدیران، معلمان و راهنمایان آموزشی را با رویکرد یادگیری مشارکتی (از نوع مدیریت آموزش علوم) آشنا نمایند.

- ۴- مدیران مدارس نیز می‌توانند به ایجاد گروه‌های مشارکتی معلمان به منظور تبادل نظرات و تجربیات در مدرسه بپردازند تا اینکه از این طریق زمینه تقویت برنامه معلم پژوهنده در قالب گروه‌های مشارکتی فراهم شود.
- ۵- بحث و گفتگوی شاگردان در قالب گروه‌های مشارکتی ممکن است تا حدودی نظم سنتی کلاس را به هم بریزد و موجب ایجاد سر و صدا شود، به معلمان توصیه می‌شود این را لازمه تعامل و همفکری است، بپذیرند.
- ۶- اگر قرار است که از رویکرد یادگیری مشارکتی بهره‌مند شویم باید برنامه درسی را به صورت مشارکتی تدوین کرد که این امر شامل هدف، محتوا، روش و ارزشیابی می‌شود. در واقع باید همه عناصر برنامه درسی به صورت مشارکتی در کنار هم قرار گیرند.
- ۷- با پشتیبانی مدیران مدارس فضای مناسب برای اجرای این الگو ایجاد شود.
- ۸- این الگو در برنامه درسی دوره تربیت معلم برای آشنایی هر چه بیش‌تر معلمان گنجانده شود.
- ۹- انتخاب جامعه بزرگتر در این تحقیق، می‌تواند نتایج دقیق‌تر و جامع‌تری فراهم کند.
- ۱۰- پیشنهاد می‌شود مدیران برای افزایش عملکرد معلمان و خودشان در در زمینه سلامت سازمانی آموزشی آموزشی‌های لازم را با استفاده از استادان و صاحب نظران، در زمینه مفهوم و اهمیت سلامت سازمانی کلاس‌های آموزشی ضمن خدمت برای مدیران و معلمان تدارک دیده شود تا بتوانند از این طریق مرتبه‌ی سلامت سازمانی خود را ارتقاء دهند.
- ۱۱- برای نهادینه شدن عملکرد بهتر از طریق سلامت سازمانی یک ساختار قانونی و انعطاف‌پذیر برای تشویق مدیران و معلمان به منظور بهبود ارائه خدمات ایجاد شود و استانداردهای دقیق عملکرد و رویه‌های کاری برای همه معلمان مشخص شود.
- ۱۲- تدابیری اتخاذ شود که مدیران در محیط کاری خود بتوانند روابط صمیمی و توأم با همکاری معلمان برقرار سازند و از موقعیت‌ها و کارهای بر جسته و نوآوری‌های یکدیگر قدردانی به عمل آید فضایی همراه با احساس اطمینان، اعتماد، همدردی و دوستی و هم‌چنین احساس مهم بودن، لیاقت و شایستگی بین همکاران و مدیران و معلمان وجود آورند. در چنین محیطی همکاران همدیگر را دوست دارند و این دوستی و محبت را به همدیگر ابراز می‌کنند و با میل و رغبت به انجام وظایف می‌پردازند و به محیط کار و شغل‌شان افتخار می‌کنند.



## References

Abbas Pour, A. (2003). Analysis of the structure and its importance in solving problems in education, Journal of Management Education.No. 34-33.[Persian].

Ahmadiasl, F. (2013).Harmonization of organizational socialization, self-regulation, and self-management education teachers in implementing the curriculum topics.[Persian].

Alagheband, A. (1999). School organizational health, Journal of Management Education, Sixth Course, No. 21[Persian].

Allison M. G. (2007).Identifying the types of student and teacher behaviors associated with teacherstress.Teaching and Teacher Education. 93, 92

Alizadeh, J. (2009). Guidelines on the management of teaching math in first grade using a collaborative model Sao jigging machine and its impact on educational attainment and social skills development in academic year 87-88 pupils city warfare, Educational Management, Master Thesis, Tehran University of Teacher Education.[Persian].

Behrangi, MR .(2010). Influence the quality of the curriculum in elementary science education with respect to how it is still open, the National Conference of innovative teaching methods, 29 and 30 May, Teacher Training University Rajae. [Persian].

Gall, Meredith et al (2003). Qualitative and quantitative research methods in education and psychology, translated by Ahmed Nasr and others, Tehran: Samt, ShidBeheshti University.[Persian].

Edwards, C. A.(2008). Investigation of the relationship between transformational leadership and organizational health. Retrieved on to Jancrchy. 2009 from [http:// Proquest](http://Proquest). From published Ph.D. Dissertation, copella University.

Joyce, Bruce, Weil, Marsha and Chahoun, Emily. (2011). New patterns of teaching in 2004, translated by MR Behrangi, Tehran: Publication of Kamal Tarbiat, Seventh Edition. [Persian].

Kumarakulasingam, T. M. (2002). Relationships between classroom management, teacher stress, teacher burn-out, and teachers' levels ofhope (Doctoral dissertation, University of Kansas, Psychology and Research in Education

Rezai, A. (201). Management organizational behavior, Tehran: Publication Samt, eleventh edition.[Persian].

Sadeghi, A., Hosseini, F. (2008) .Attitudes of students about good teaching at the University of Guilan, Journal of Higher Education, 1 (2) :123-148.[Persian].

Slavin, Robert (1992). Summarizes research conducted on collaborative learning, translation: F. faqih, Journal of Education, No. 2, Issue 30. [Persian].

Shabani, B, Hussain Gholizdeh, R. (2006) .Teaching Quality in Universities, Research and Planning in Higher Education, 12 (1 (39)) 1-22.[Persian].

Lnchyvny, Patrick. (2006). Four managers concerned (a tale of organizational health). Translation:F. Amini, Afra Publication, first edition, pp. 9-187.[Persian].

Mesbahi, M. (1995). Effects of memory training on academic reading and spicity, Proceedings of the Fourth Symposium, train stations.[Persian].